

فرخنده باد روز هشت مارس، روز جهانی همبستگی رزمجویانه با مبارزات زنان جهان

سخنرانی نماینده حزب توده ایران در کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست

«با هم علیه سیاست جنگ افروزی، علیه بازپس گیری دستاوردهای

اجتماعی و دموکراتیک - وظایف امروز کمونیست ها»

به گفت و گو و تبادل نظر پیرامون نقطه نظرات خود پرداختند.

این نشست زیر عنوان: «با هم علیه سیاست جنگ افروزی، علیه بازپس گیری دستاوردهای اجتماعی و دموکراتیک - وظایف امروز کمونیست ها» برگزار شد و به هیئت های

ادامه در صفحات ۴

در روزهای ۱۱ تا ۱۳ فوریه برابر با ۲۳ تا ۲۵ بهمن ماه حزب کمونیست آلمان هفدهمین کنگره خود را برگزار کرد. به ابتکار حزب برادر، یک روز پیش از آغاز کار رسمی کنگره، یک کنفرانس بین المللی تشکیل شد که در آن نمایندگان و هیئت های بیش از ۲۵ حزب کمونیست از سراسر جهان که برای حضور در هفدهمین کنگره حزب کمونیست آلمان دعوت شده بودند، در این کنفرانس بین المللی گرد هم آمدند و در محیطی رفیقانه



شماره ۷۰۷، دوره هشتم
سال بیستم، ۱۱ اسفند ماه ۱۳۸۳

حراج مراکز تولیدی کشور، خصوصی سازی و امنیت شغلی زحمتکشان

خبرگزاری کار ایران ایلنا، به تاریخ ۲۲ دی ماه، گزارش داد که: «... مرکز پژوهش های مجلس در نظر دارد با همکاری وزارت رفاه و تامین اجتماعی با هدفی که رفع موانع تولید و سرمایه گذاری عنوان شد، با تدوین قانونی به نام قانون کارفرما از تاثیرات منفی قانون کار برونود تولید بکاهد... تغییر ماده قانون تامین اجتماعی از جمله موارد پیشنهادی در این قانون جدید است...» به این ترتیب مجلس تحت اشغال ارتجاع هم سو با برنامه خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه، زمینه های ضرور قانونی و حقوقی را برای کارفرمایان و بطور کلی کلان سرمایه داران فراهم می سازد. به دنبال این اقدام، مدیر عامل سازمان خصوصی سازی در گفتگویی با ایسنا به تاریخ سوم اسفند ماه امسال، یادآور شد: سازمان خصوصی سازی تا پایان سال به قدری سهام عرضه می کند (چه با اصل ۴۴ و چه بی اصل ۴۴) که اگر همه این سهام در بازار جذب شود و به فروش برسد، تعهد خزانه ای ما انجام می شود... وی سپس به تشریح برنامه های خصوصی سازی این سازمان پرداخت و گفت: «اگرما (سازمان خصوصی سازی) تا پایان سال بتوانیم، سهام

ادامه در صفحه ۲

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن

پیروز باد پیکار دلیرانه زنان ایران بر ضد ارتجاع و

رژیم زن ستیز «ولایت فقیه»

همبستگی با مبارزه زنان جهان پایه ریزی کند. جنبش زنان در نود و پنج سال گذشته دست آوردهای چشم گیر و درخشانی به همراه داشته است. بالا بردن سطح آگاهی و به دست آوردن حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در بسیاری از کشورهای جهان در کنار نقش قاطع و موثر زنان در جنبش های جهانی برای ارتقاء حقوق زحمتکشان، دست یابی به صلح و حفظ محیط زیست از جمله دست آوردهای ارزشمندی است که جنبش جهانی زنان به آن می بالدد. نقش قاطع و موثر زنان در جنبش جهانی که این روزها بر ضد سیاست های جنگ طلبانه امپریالیسم در جهان در ابعادی کم نظیر شکل گرفته است بهترین نمونه نقش قاطع و مستقل جنبش زنان در حرکت های اجتماعی ترقی خواهانه در سراسر جهان است.

از برگزاری نخستین روز جهانی زن در ایران، ۸۳ سال می گذرد. در ۸ مارس ۱۳۰۱، به ابتکار زنان پیشرو میهن ما در «انجمن پیک سعادت نسوان» نخستین جشن روز جهانی زن در ایران برگزار گردید و در طول ۸۳ سال گذشته با

ادامه در صفحه ۶

زنان مبارز و آگاه! کمیته مرکزی حزب توده ایران فرارسیدن روز هشتم مارس، روز همبستگی جهانی با بیش از یک سده مبارزات قهرمانانه و ستایش برانگیز همه زنان جهان در راه رهایی از بندهای ستم طبقاتی و جنسی را به شما تبریک می گوید. تجربه سده اخیر سند گویای تأثیر جهانی و شگرف پیکار دشوار و پرفراز و نشیب زنان در راه دست یابی به برابری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. پیکاری که سیمای جهان معاصر ما را به کلی دگرگون کرده است به زنان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق کار، حق فعالیت سیاسی - اجتماعی، حق استقلال سیاسی و حق دفاع از خانواده و حقوق خانوادگی را داده است و راه را برای تحقق برابری کامل زن و مرد و رهایی زنان از ستم طبقاتی و جنسی هموار کرده است. امسال نود و پنج سال از برگزاری هشتم مارس، به عنوان روز جهانی زن می گذرد. نود و پنج سال پیش، در سال ۱۹۱۰، به پیشنهاد کلارا تستکین، مبارز برجسته کمونیست جنبش زنان، در کنفرانس بین المللی سوسیالیست ها، که در کپنهاک برگزار می شد، جنبش جهانی کارگری تصمیم گرفت تا این روز را به عنوان روز

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه حراج مراکز تولیدی ...

شیرینی (درست لفظ دلالان را به کار می برد) هم چون فولاد مبارکه و ذوب آهن اصفهان را به بازار عرضه کنیم، مردم (سرمایه داران) استقبال خواهند کرد... سازمان خصوصی سازی تنها در سال ۱۳۸۰ تأسیس شده و جمعاً ۱۲۰ میلیارد تومان سهام واگذار کرده است... اقدامات سازمان خصوصی سازی در حراج واحدهای تولیدی که برخی جنبه حیاتی و کلیدی برای اقتصاد ملی دارند، طی سال جاری کنونی اوج بی سابقه ای یافت. معاون این سازمان در اوایل دی ماه به خبرگزاری ایسنا خاطرنشان ساخته بود ارزش شرکت هایی که واگذار شده اند به بیش از ۸۰ میلیارد تومان خواهد رسید. شرکت هایی که سهام آنها واگذار و یا عرضه شده برخی عبارت بودند از، نورد اهواز، مجموعه کارخانجات شرکت مخابرات ایران، نساجی قائم شهر، پمپ سازی ایران، پارس الکتریک. در کنار این شرکتها تعدادی از واحدهای تولیدی - صنعتی کشور نظیر، صنایع هوایی ایران، واگن پارس، ماشین سازی لرستان، شرکت کابل های مخابراتی شهید قندی، نصب نیرو - شرکت پاتله و شرکت تامین مواد معدنی صنایع فولاد هستند. اخیراً نیز ماشین سازی تبریز و ذوب آهن اصفهان به این مجموعه افزوده گردیده است. بعلاوه مطابق گزارش سازمان خصوصی سازی، سهام سیمان کارون، سیمان اردبیل و سیمان هرمزگان به ارزش بیش از ۴۰ میلیارد تومان دوباره در بازار بورس عرضه خواهد شد. این واگذاری ها بدون آنکه حقوق و منافع زحمتکشان فکری و یدی شاغل در این موسسات مدنظر قرار گیرد، به مرحله اجرا گذاشته می شود. هزاران کارگر، کارمند و مهندسین و متخصصان مختلف این واحدها یا اخراج شده و یا تن به باز خرید شدن می دهند. نمونه ها در این زمینه فراوان است. چندی پیش کارگران و کارمندان شرکت آونگان اراک دست به اعتصاب زدند. علت این حرکت مخالفت با خصوصی سازی اعلام شد. پیش از این دولت اینگونه اعلام کرده بود که، ۳۳ درصد کل سهام این واحد سود ده به کارگران واگذار می گردد. ولی علیرغم این قول دروغین، دولت ۹۰ درصد کارخانه را به اقساط و بهایی نازل در اختیار یک خریدار بخش خصوصی گذاشت. نماینده کارگران اعتصابی در اعتراض به این خصوصی سازی به روزنامه ها گفته بود: «کارخانه را ارزان و با شرایط استثنایی یعنی ۴۰ درصد نقد و ۶۰ درصد اقساط و به قیمت ۱۲ میلیارد تومان فروخته اند، درحالیکه فقط حداقل ۲۰ میلیارد تومان مواد اولیه در کارخانه وجود دارد... با احتساب کارگاه و ماشین آلات ارزش این کارخانه از ۱۰۰ میلیارد تومان تجاوز می کند... ما کارگران از هم اکنون اخراج و بیکار محسوب می شویم و کسی به داد ما نمی رسد.» شایان ذکر است که، کارخانه آونگان اراک تولید کننده انواع دکل برق و شمش فولاد است و همواره سود داده است. تولید سالیانه این واحد صنعتی سالیانه ۱۰۰ هزار تن انواع دکل برق بود، و نزدیک به ۵۰۰ کارگر و ۵۰ کارمند در آن به کار اشتغال داشتند.

مثال دیگر شرکت سیانا می باشد. این واحد تولیدی که در ساوه واقع است، چندی پیش توسط سپاه پاسداران و آستان قدس رضوی بلعیده شد. در این واحد با مداخله مستقیم سپاه ابتدا رکود و بحران پدید آمد و سپس اعلام ورشکستگی گردید و در مرحله بعدی شرکت سیانا به کلی تعطیل شده و ۱۵۵ کارگر آن اخراج گردیدند. به فاصله دو ماه، کارخانه دوباره راه اندازی و اینبار فقط با ۶۰ کارگر آنهم به صورت قرارداد موقت شروع به فعالیت کرد.

از موارد دیگر، تعطیلی شرکت خودرو لنت، تولیدکننده لنت اتومبیل است. در جریان خصوصی سازی اعلام شد که شرکت مذکور ورشکسته است و کلیه کارگران آن اخراج شدند. خریدار خصوصی پس از تصاحب کارخانه شرط فعالیت مجدد را استخدام کارگران

قرارداد موقت اعلام داشت. پیش از خصوصی سازی ۲۰۰ کارگر بصورت رسمی و قراردادی در این واحد شاغل بودند، پس از آن ۵۰ کارگر آنهم فقط با قرارداد موقت استخدام گردیدند.

درمهرماه امسال، خبرگزاری های مختلف خبر تعطیلی شرکت تولیدی اسپید تولید کننده وسایل و تجهیزات بیمارستانی را منتشر کردند. کارخانه اسپید بیش از ۵۰ سال سابقه فعالیت داشت. با خصوصی سازی، مالک این کارخانه بنیاد شهید شد و این بنیاد خط تولید را به بنیاد کوثر و گذار کرد. پس از مدتی این دو نهاد انگلی واحد مذکور را ورشکسته و همه کارگران آن ۱۰۰ نفر را بیکار کردند. برخی از کارگران این واحد بیش از ۲۰ تا ۲۵ سال سابقه کار داشتند. کارخانه های وابسته به شرکت کفش گام نیز با وجود نزدیک به ۲۷ سال سابقه و داشتن دستگاههای مدرن و ۲۰۰ کارگر و ۳۵ کارمند ورشکسته و تعطیل شد. این شرکت تولیدی با توجه به ورود سیل آسای کفش چینی توسط تجار زلوصفت و نیز عدم توانایی در پرداخت حدود ۵/۲ میلیارد تومان وام که از بانک های خصوصی گرفته بود، بکلی به تعطیلی کشانده شد و زحمتکشان شاغل در آن به صف طولیل بیکاران پیوستند.

خصوصی سازی در منطقه صنعتی قزوین منجر به اخراج های گسترده شده است. با اجرای قانون نوسازی و بازسازی صنایع ۵ هزار کارگر قزوین بیکار شده اند. این ۵ هزار نفر با احتساب خانواده هایشان جمعیتی بالغ بر ۴۰ هزار نفر را شامل می شود. بیش از ۱۰۰ واحد صنعتی قزوین تحت پوشش برنامه نوسازی و بازسازی قرار گرفته اند. برپایه ماده ۹ این قانون، گام نخست در بازسازی اخراج کارگران و به نام تعدیل نیروی انسانی است. ماشین سازی تبریز به عنوان یکی از مهمترین و کلیدی ترین صنایع کشور در اوایل اسفند ماه در فهرست خصوصی سازی قرار گرفت. این واحد استراتژیک دارای ۱۵۰۰ کارگر است که تعداد زیادی از آنها از زمره کارگران ماهر و ورزیده صنایع ایران هستند. کارگران با امضاء توماری مخالفت خود را با خصوصی سازی که منجر به نابودی امنیت شغلی آنها می شود اعلام کرده اند. مبلغی را که سازمان خصوصی سازی طی آگهی مزایده برای فروش ماشین سازی تبریز محاسبه کرده، ۱۱۰ میلیارد تومان است. علاوه بر اخراج های گسترده سقوط سطح دستمزدها و عدم پرداخت به موقع از پیامدهای خصوصی سازی برای زحمتکشان است. خبرگزاری ایلنا در تاریخ ۲۳ دی ماه گزارش داد، کارگران شرکت ناران فیروزه که اکثریت آنها را زنان کارگر تشکیل می دهند، در شرایط سخت و توان فرسا مشغول به کار هستند و سقف حقوقی شان از ۲۵ هزار تومان در ماه تجاوز نمی کنند. به گزارش همین خبرگزاری وابسته به رژیم شرکت ناران فیروزه تولید کننده مواد شوینده و شیمیایی است. اغلب کارگران آن زن هستند و حداقل ۴ سال سابقه کار دارند و ماهیانه ۱۵ تا ۲۵ هزار تومان دستمزد می گیرند. کارفرمای این واحد که از وابستگان به واعظ طبسی رئیس آستان قدس رضوی می باشد در اقدامی بی سابقه از هر کارگر ۲۵۰ هزار تا ۱ میلیون تومان سفته گرفته است تا فقط در این واحد به کار مشغول باشند و تا ۱۲ ساعت در روز کار کنند! همچنین خبرگزاری مذکور در اواخر دی ماه خبر داد، بیش از ۴ هزار کارگر پیمانی صنعت نفت آبادان ماهیانه ۷۰ هزار تومان حقوق می گیرند. در این گزارش آمده است، به دلیل خصوصی سازی و رعایت نکردن حداقل های قانون کار از سوی پیمانکاران خدماتی شرکت نفت آبادان کارگران پیمانی تاسیساتی، خدماتی و فضای سبز شرکت نفت مشمول بیمه تامین اجتماعی نیستند. درحالیکه شورای عالی کار حداقل دستمزد را ۱۰۶ هزار تومان در هر ماه تعیین کرده، این کارگران ماهیانه ۷۰ هزار تومان حقوق می گیرند و حتی از انعقاد قرارداد نیز محروم هستند.

چندی پیش یکی از نمایندگان کارگران آستان مازندران ضمن اعلام مخالفت کارگران این استان با برنامه خصوصی سازی گفت: «خصوصی سازی از سال ۷۴ تاکنون ۱۱ هزار نفر را در مازندران بیکار کرده است. آنهایی هم که کار می کنند دستمزد مناسب دریافت نمی کنند. تورم در سال گاه به بالای ۵۰ درصد می رسد، ولی برای افزایش حقوق کارگران به دروغ ضریب ۱۰ درصد تورم محاسبه می کنند».

کوتاه سخن: برنامه خصوصی سازی امنیت شغلی زحمتکشان را نابود ساخته و منجر به گسترش پدیده فقر و بیکاری شده است. مبارزه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان بر ضد خصوصی سازی بخشی از پیکار پیگیر مجموعه جنبش مردمی بر ضد استبداد و ارتجاع و در راه طرد رژیم ولایت فقیه است!

تحقق عدالت اجتماعی در رژیم ولایت فقیه امکان پذیر نیست

در اوضاع حاکم بر میهن ما و در جریان رقابت ها و کشمکش های درون حکومتی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، یکی از بحث های جنجال برانگیز که محور عمده تبلیغات جناح بندی های مختلف رژیم ولایت فقیه را تشکیل می دهد، موضوع عدالت اجتماعی و چگونگی تحقق آن در جامعه است. جناح ذوب در ولایت که اکنون مجلس را در اختیار دارد، در این زمینه سخت فعال است و با طرح شعارها و اجرای برخی اقدامات صرفاً فریب کارانه می کوشد موقعیت خود را برای تصاحب کرسی ریاست قوه مجریه در جمهوری اسلامی تحکیم کند. از این رو چهره های شاخص واپس گرایان، نظیر حداد عادل و احمد توکلی با پیش کشیدن لوایح و قوانینی همانند طرح تثبیت قیمتها، تلاش می کنند تا نقاب دفاع از عدالت اجتماعی بر سیمای غدار و ضد مردمی خود بکشند. این جناح با وجود اینگونه تبلیغات و سردادن شعار تحقق عدالت اجتماعی، از ابتدای انقلاب تاکنون از هواداران پروپاقرص به اصطلاح اقتصاد آزاد بوده و در این راه همه امکانات خود را به کار گرفته است.

در این زمینه ذکر چند نمونه جالب توجه است. تعلق خاطر ارتجاع ایران به خصوصی سازی و اقتصاد بازار بر کسی پوشیده نیست. روزنامه دنیای اقتصاد به تاریخ شنبه ۱۱ مهرماه سال جاری در مطلبی با عنوان مخالفت مولفانه با تداوم اقتصاد دولتی سخنان محمد نبی حبیبی دبیر کل این جریان تاریک اندیش و واپس مانده را انتشار داد. او از جمله خاطر نشان ساخت: «همانطور که ما در سیاست مردم را شریک می دانیم در امور اقتصادی نیز ما باید همین روند را دنبال کنیم. در واقع دولتی نگهداشتن اقتصاد را یک نوع نقض غرض می دانیم... مردم باید در فعالیت اقتصادی ثمره تلاش، ابتکار و فعالیت خود را با بالا رفتن سطح رفاه خود احساس کنند. این امر در اقتصاد دولتی اتفاق نمی افتد و شیوه اقتصاد مارکسیستی بهترین دلیل بر شکست اقتصاد دولتی است.»

نمونه دیگر موضع گیری خاموشی رییس اتاق بازرگانی است، وی به روزنامه دنیای اقتصاد در تاریخ یکشنبه ۲۰ دی ماه امسال در مورد طرح های مجلس بویژه طرح تثبیت قیمتها می گوید: «به رغم مخالفت با طرح تثبیت قیمتها، احساس مجلس را درک می کنم. هدفمند کردن یارانه ها و تقویت خصوصی سازی جهت تحقق این امر بی تاثیر نیست.» شخص توکلی هم به عنوان رییس مرکز پژوهش های مجلس با صراحت از خصوصی سازی دفاع می کند، خبرگزاری مهر در اوایل مهرماه امسال از قول توکلی گزارش داد: «هرچه مشارکت مردم در انتخابات نهم ریاست جمهوری افزایش یابد به پشتیبانی از دولت برای تحول آفرینی بیشتر منجر می گردد و اختلافات درونی حاکمیت و کشور کاهش می یابد... اصلی ترین حوزه محتاج تحول حوزه اقتصادی است.»

بنابراین نباید لحظه ای فراموش کرد که هدف ارتجاع از شعار تحقق عدالت اجتماعی فقط فریب کاری برای تامین منافع سرمایه تجاری و انگلی و دلالان است. در این میان و در رقابت با جناح ذوب در ولایت، حامیان رفسنجانی با دستاویز قراردادن اقدامات ریاکارانه حریف یگانه راه برون رفت از بحران کنونی و حل معضلات بی شمار اقتصادی - اجتماعی و نیز تحقق عدالت اجتماعی را در گرو ادامه سیاست های دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به شیوه ای که در زمان رفسنجانی پیاده و در دوران خاتمی ادامه یافت معرفی می کنند.

دراواخر آذرماه خبرگزاری کار ایران - ایلنا، از قول دبیر کل مجمع متخصصین ایران (یک نهاد هوادار رفسنجانی) گزارش داد که این نهاد خواستار حضور رفسنجانی در انتخابات را ادامه برنامه تعدیل اقتصادی با هدف تحقق عدالت اجتماعی در جامعه است. ایلنا در این خصوص متذکر شد: «دکترین دولت رفاه بهترین شیوه مدیریت اجرایی دوران جدید است... آقای هاشمی رفسنجانی بهترین عنصر برای مدیریت کشور و تحقق عدالت اجتماعی است.»

دفاع از برنامه های اقتصادی که رفسنجانی مجری آن بود، این روزها به شکل گسترده در رسانه های همگانی رواج یافته است. در این خصوص عده ای از تکنوکراتها که منافع آنها با حضور رفسنجانی و باندهای وابسته به او پیوند دارند، در پوشش بحث های کارشناسانه به دفاع از برنامه هایی مشغول هستند که نه تنها باعث برقراری عدالت

اجتماعی نگردیده، بلکه سبب اصلی فقر و بی عدالتی کنونی است. یکی از این کارشناسان که مشاور وزیر نفت نیز هست در گفتگویی با خبرگزاری ایسنا در دفاع از رفسنجانی و برنامه های دوران او که به زعم وی در جهت رشد و پیشرفت و تحقق عدالت اجتماعی بوده یادآور می شود: رویکرد دولت سازندگی به اقتصاد و توسعه موجب شد عقب ماندگی تا حدودی جبران شود... سیاست تعدیل اقتصادی سیاستی مثبت بود. این سیاست موجب کوچک شدن دولت، افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد، آزادسازی و رفع موانع سرمایه گذاری در کشور و عدالت اجتماعی شد.

وی به عنوان یک کارشناس راه پیشرفت کشور را در آینده چنین توصیف می کند: «دولت آینده باید همانند دیگر کشورهای جهان سهام شرکت ها را به صورت جزء به جزء از طریق بانک ها به بخش خصوصی واگذار کند تا مشارکت عمومی ایجاد و غنای سیاسی و امنیتی افزایش یافته و تا بخش خصوصی واقعی تر شود.» یکی از این به اصطلاح نخبگان جمهوری اسلامی به سرویس اقتصادی ایسنا طی مصاحبه ای یادآور گردید: «بزرگترین بی عدالتی اجتماعی وجود نظام رانت خواری و بهترین راه تحقق عدالت اجتماعی آزادسازی با رویکرد فرصت سازی برای همگان است... دولت های جمهوری اسلامی با حجم عظیم سرمایه ای که صرف کردند موفقیت چندانی برای تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی به دست نیاوردند...»

وی دولت رفسنجانی و دولت خاتمی را به علت ادامه سیاست های قبلی یعنی سیاست تعدیل اقتصادی مورد ستایش قرار می دهد و راه تحقق عدالت اجتماعی را این چنین می داند: «دولت آینده برای تحقق عدالت اجتماعی به سریع ترین، سالم ترین و کم ضررترین و پایدارترین شکل ممکن، راهی جز آزادسازی اقتصادی آن هم با رویکرد مقررات زدایی، خصوصی سازی، کوچک سازی دولت و ساماندهی یارانه ها و تلاش برای کم کردن حجم یارانه مصرفی... نخواهد داشت.»

به این ترتیب، مشخص است تکنوکراتها و دلالان هردو با وجود اختلافات جدی و پررنگی که دارند، در خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه به بهای نابودی تولید ملی دیدگاه و نظر مشترک دارند. اختلاف نه برسر چگونگی تحقق عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت که بر سر میزان تصاحب ثروت ملی است. در چارچوب رژیم ولایت فقیه و ادامه سمت گیری اقتصادی - اجتماعی دیکته شده از سوی نهادهای پر قدرت سرمایه داری یعنی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، شعار تحقق عدالت اجتماعی چیزی جز عوام فریبی نیست.

ادامه سخنرانی نماینده حزب در ...

امپریالیسم بر جهان ایجاد کرد.

رفیق «هاینس اشتر» دبیر اول حزب کمونیست آلمان سخنران دیگر بود که به عنوان میزبان این اجلاس از حضور نمایندگان احزاب قدردانی کرد و در نطق مبسوطی به خطراتی که هم اکنون جهان را از طرف امپریالیسم تهدید می کند، تاکید ورزید، و همه احزاب کمونیست و کارگری جهان را فراخواند تا پیگیرانه در مسیر همکاری های مشترک و تشدید مبارزه علیه جهانی شدن سرمایه داری که همان مبارزه بر ضد امپریالیسم و به خاطر سوسیالیسم است، گام برداشته و آن را تقویت کنند. وی هم چنین به مبارزه احزاب کمونیست اروپایی علیه حکومت های دست راستی، به ویژه علیه سیاست بازپس گیری دستاوردهای اجتماعی و رشد اندیشه های فاشیستی در اکثر کشورهای اروپا اشاره کرد. وی مبارزه علیه کنسرن های فراملی را که در حال حاضر در کشورهای مختلف جریان دارد و نیروها و اقشار مختلفی در آن حضور دارند را به عنوان یک عرصه مهم مبارزه علیه جهانی شدن سرمایه داری مورد اشاره قرارداد و تاکید نمود که کمونیست ها نیز باید در قبال جهانی شدن سرمایه داری، مبارزه علیه آن را جهانی کنند.

رفیق «اوسکار مارتینز» از حزب کمونیست کوبا با ارایه تحلیلی از وضع جهان و ماهیت امپریالیسم و چشم انداز آینده، نقطه نظرات حزب کمونیست کوبا را به اطلاع حاضرین رساند. او نتیجه گرفت که امپریالیسم برای ادامه هژمونی بر جهان و غارت منابع آن در آتیه به شیوه های فشار بیشتری متوصل خواهد شد و اقدامات جنگ طلبانه خود را تشدید خواهد کرد. وی هوشیاری و همبستگی انترناسیونالیستی احزاب کمونیست در جهان را اهرم مناسب و ضروری در مقابله با توطئه های امپریالیسم عنوان کرد. نماینده حزب کمونیست چک و موراوی به برخی تفاوت دیدگاه ها در میان احزاب کمونیست در قبال تحلیل و ارزیابی از امپریالیسم انگشت گذاشت و برگزاری این نوع اجلاس ها را گامی در جهت بر طرف کردن اختلاف نظر ارزیابی کرد. رفیق «ماریو میراندا» نماینده حزب کمونیست شیلی پیرامون اوضاع آمریکای لاتین و نیروهای مردمی در این منطقه صحبت کرد. وی ضمن اشاره به مبارزه قهرمانانه مردم کوبا و ونزوئلا فشارهای همه جانبه امپریالیسم آمریکا برای مانع شدن از همبستگی خلق ها در آمریکای مرکزی و جنوبی را محکوم کرد و مسئولیت مستقیم هر گونه پیامدهای منفی در این دسته از کشورها را متوجه ایالات متحده آمریکا دانست. این نماینده با ذکر دلایلی، روشن کرد که امپریالیسم با مداخله مستقیم در امور داخلی کشورها و «تروریست» نامیدن نیروهای چریکی اپوزیسیون و هم چنین با وابسته قلمداد کردن جنبش های خلقی به باندهای مواد مخدر، قصد تخریب و دخالت آشکار در امور داخلی کشورها را دارد. رفیق «سلام علی»، نماینده حزب کمونیست عراق از مبارزه دشوار و همراه با مرگ و زندگی رفقای عراقی در پیش و پس از اشغال نظامی سخنراند و از قربانیان بی شمار مردم محروم عراق گفت. وی یک بار دیگر نشان داد که کمونیست ها در چه شرایط گوناگون و متفاوتی در گوشه و کنار جهان با نابرابری و توطئه های امپریالیسم مبارزه می کنند. و در عین حال احزاب کمونیست با وجود تفاوت های ملی و فرهنگی کشورهایشان چه مسئولیت مشترکی در قبال یک دیگر دارند.

باید اشاره کرد که مساله اشغال عراق توسط امپریالیسم، سیاست رفقای حزب کمونیست عراق در این کشور و هم چنین تهدیدات جدید دولت ایالات متحده آمریکا مبنی بر احتمال حمله نظامی به ایران، یکی از موضوعات مهم این کنفرانس بود. همه نمایندگان با نگرانی و احساس مسئولیت به این موارد پرداخته و سیاست های نظامی امپریالیسم را محکوم می کردند. همه بر این باور بودند که باید از هر امکانی از وقوع یک جنگ جدید جلوگیری به عمل آورد. یکی از وظایف اصلی کمونیست ها شرکت فعال و گسترش جنبش صلح در جهان و افشای چهره واقعی امپریالیسم است.

نمایندگی احزاب کمونیست کشورهای مختلف که از چهار گوشه جهان در این اجلاس گرد هم آمده بودند، امکان داده شد تا نظرات خود را حول موضوع بحث کنفرانس بیان کرده و ضمن ارایه پیش نهادها، راه کارهای نوین همکاری و همبستگی هر چه بیشتر را جست و جو کنند. حزب توده ایران نیز از طرف حزب کمونیست آلمان به این اجلاس مهم دعوت شده بود. نماینده حزب در این کنفرانس؛ علاوه بر سخنرانی پیرامون موضوع انتخاب شده و ارایه نظرات حزب توده ایران در این زمینه؛ این امکان را یافت تا ضمن دیدارهای دوجانبه و چندجانبه با نمایندگان احزاب مختلف به گفت و گو پرداخته و با آن ها تبادل نظر کند. نکته مهم در این دیدارها درک و احساس این ضرورت بود که همه نمایندگان، خواهان تداوم این نوع مشورت ها و برداشتن گام های عملی جهت نزدیکی و فشردن صفوف کمونیست ها در سراسر جهان بودند. یکی از دستاوردهای این نوع دیدارها آشنایی متقابل با مبارزه و شرایط فعالیت احزاب در کشورهای مختلف و شناخت مواضع سیاسی آنان بود. در ادامه گزارش کوتاهی از جریان کنفرانس بین المللی و کنگره هفدهم حزب کمونیست آلمان می آید:

رفیق «هاینس اشتر» دبیر اول حزب کمونیست آلمان، طی سخنان کوتاهی ضمن خوش آمدگویی، کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست را افتتاح کرد. روح حاکم بر این نشست از تفاهم و نزدیکی نظرات و ارزیابی از یکبار مشترک کمونیست ها و ایفای نقش انترناسیونالیستی آنان خبر می داد. برای نمونه می توان به گوشه هایی از سخنرانی چند تن از نمایندگان احزاب کمونیست اشاره کرد: رفیق «بیل داویس» عضو شورای ملی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، گزارشی از روند رشد مبارزات صلح طلبانه و اجتماعی در آمریکا و بالا رفتن سطح مطالبات نیروهای شرکت کننده آن در قبال کنسرن های ایالات متحده که سهم عمده ای را در غارت و استثمار در جهان دارند، ارایه داد و احزاب کمونیست را فراخواند تا راه های تازه ای از همکاری و اشتراک مساعی را بیابند و بکار ببندند. وی تاکید کرد، از آن جا که دولت امپریالیسم آمریکا نقش درجه اول را در جنگ افروزی و قلدری در جهان دارد، کمونیست های این کشور مسئولیت خطیر خود را احساس می کنند. کمونیست های آمریکا مبارزه و افشای گری علیه نو محافظه کاران آمریکا و جنگ طلبی امپریالیسم را از اهم وظایف خود می داند. رفیق «کیس بارلو» نماینده حزب کمونیست انگلستان پیرامون تجربه مهم و تاریخی همکاری احزاب کمونیست در گذشته و نقش بین المللی آن صحبت کرد و اعلام کرد که دست یافتن بسیاری از خلق ها به استقلال و رهایی و رهایی ملی در گذشته تنها با تکیه بر همبستگی بین المللی و جهانی کردن آن ممکن بود. در این مبارزه احزاب کمونیست همواره در صف مقدم حضور داشته اند. رفیق «آفتار صدیق» از حزب کمونیست هند (مارکسیست) که دارای بیش از هفت صد هزار عضو است و در بسیاری از مناطق هند مردم را نمایندگی می کند، همه نیروهای چپ، ترقی خواه و کمونیست را فراخواند تا بکوشند جبهه های وسیعی در مقابل سیاست های غیر قابل قبول و تحمیلی امپریالیسم ایجاد کنند. نماینده حزب کمونیست پرتغال رفیق «روی یاز» بیان کرد که مجموعه مسایل مطرح شده و تجارب به دست آمده در این نشست بدون شک می تواند راهنما و مشوق ما برای نزدیکی هر چه بیشتر و برداشتن قدم های مشترک باشد. باید تلاش نمود در اتحادهای بزرگ و وسیع مانعی جدی در مقابله با سیطره کامل

ادامه سخنرانی نماینده حزب در ...

نماینده حزب توده ایران نیز شرکت کنندگان کنفرانس را در جریان پیکار دشوار و خطیر حزب توده ایران قرار داد و گفت که حزب ما به طور هم زمان باید در دو جبهه مبارزه کند، یکی جبهه نبرد با رژیم دیکتاتوری حاکم بر ایران و دیگری مبارزه با اهداف تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا است که برای تحمیل جنگ جدیدی در منطقه، آماده می شود. باید گفت که امپریالیسم آمریکا عملاً بر طبل جنگ می کوبد. نماینده حز در جای دیگری از سخنرانی خود افزود: جهان در مرحله فوق العاده حساس و خطرناکی قرار گرفته است. اوضاع جهان پس از واقعه تروریستی ۱۱ سپتامبر و متعاقب آن سیاست های مخاطره آمیز و نگران کننده ای که بعد از این اقدام غیر انسانی توسط برخی از کشورها تحت عنوان «مبارزه با تروریسم» دنبال شد، و بعضاً جامه عمل پوشید، می رود تا صلح جهانی را به خطر اندازد و تهدیدی جدی برای ادامه حیات بشریت ایجاد کند.

اوضاع بحرانی و خطرناک موجود در خاورمیانه و حضور امپریالیسم آمریکا و متحدانش در عراق و نیروهای نظامی پیمان ناتو در افغانستان و هم چنین برقراری پایگاه های نظامی آمریکا و متحدانش در کشورهای مختلف آسیای میانه، در کنار درگیری ها و آتش افروزی ها در سایر نقاط جهان، از جمله مسایل مهمی و نگران کننده ای هستند که احزاب کمونیست و دیگر نیروهای ترقی خواه جهان را به خود مشغول کرده است و از آن ها برای حل چنین معضلاتی نقش و حساسیت ویژه ای طلب می کنند. ... همه ما با جنگ هایی که طی سال های گذشته توسط امپریالیسم و بازوی نظامی آن پیمان ناتو به وجود آمده، آشنا هستیم. بنابر این مبارزه بر ضد جنگ و نظامی گری در هر پوشش و با هر بهانه ای که صورت گیرد، باید یکی از عمده ترین عرصه های کار و پیکار ما باشد... در واقع باید گفت که هیچ عرصه و حوزه ای از فعالیت وجود ندارد که ما کمونیست ها نتوانیم متحداً برای پیشبرد خواسته های عادلانه خود، در جنبش مبارزه علیه جهانی شدن سرمایه داری شرکت کنیم. مبارزه علیه همه اشکال بروز نژادپرستی، بنیادگرایی، فاشیسم آن هم چه در صحنه داخلی و چه بین المللی از دیگر عرصه های عمده مبارزه ما می تواند باشد. هم چنین پیکار و سازماندهی جنبش مقاومت علیه هر گونه دخالت امپریالیستی در کشورهای مستقل و تحمیل سیاست های برتری طلبانه به این نوع کشورها و دفاع از حق تعیین سرنوشت و استقلال خلق ها از اهم مسائل دستور کار مبارزه ما می باشد. علاوه بر احزاب شرکت کننده در کنفرانس که در محیطی رفیقانه مستقیم در بحث های کنفرانس شرکت داشتند، پیام های کتبی تعداد دیگری از احزاب که به دلایلی، از جمله تلاقی برگزاری این کنفرانس با کنگره حزب کمونیست یونان، نتوانسته بودند در این نشست حضور به هم رسانند، خطاب به احزاب شرکت کننده دریافت شد که از آن میان می توان به حزب کمونیست آرژانتین، حزب کمونیست بنگلادش، حزب کمونیست کلمبیا، حزب کمونیست کاتالونی، حزب کمونیست های مکزیک، حزب کمونیست نروژ، حزب کارگران مجارستان و حزب سوسیالیست خلق مکزیک اشاره کرد.

اتحاد بین سدیکا ها امکان پذیر است!

تلاش در جهت ایجاد کنفدراسیون واحد کارگری جهانی

در جریان پنجمین اجلاس اجتماعی جهانی، که بین روزهای ۸ الی ۱۱ بهمن ماه، در «پورتو الگره» برگزار شد، هیئت های نمایندگی اتحادیه های کارگری از کشورهای جهان شرکت فعال داشتند. نمایندگان چندین مرکز سندیکایی پر قدرت جهان در کنفرانس با اهمیت «ابعاد اجتماعی جهانی شدن» در بحث و تبادل نظرهای سودمندی، در رابطه با آثار و عواقب «جهانی شدن» سرمایه داری، بر ضرورت توافق در رابطه با هماهنگ نمودن و وحدت فعالیت های سندیکایی تأکید کردند. فرستاده ویژه روزنامه «اومانیته» در جریان اجلاس «پورتو الگره» مصاحبه ای با «امیلیو گابا گلیو»، دبیرکل سابق کنفدراسیون اروپایی سدیکا ها، به عمل آورده است که نامه مردم به دلیل نکات با اهمیت این مصاحبه، متن آن را در ادامه برای خوانندگان نامه مردم منتشر می کند.

اومانیته: شما روند ایجاد یک کنفدراسیون جهانی سندیکایی جدید را به منظور مجتمع ساختن تمامی «جریان های سندیکایی بین المللی» هدایت می کنید و به آن تاب و توان تازه ای بخشیدید. این روند اکنون در چه مرحله ای است؟

امیلیو گابا گلیو: نظر به اینکه برای من به عنوان دبیرکل کنفدراسیون سندیکاهای اروپا (ای. تی. یو. سی) هنوز کمی وقت باقی مانده است، کنفدراسیون جهانی سدیکا های آزاد (آ.سی.اف. تی. یو.) و کنفدراسیون جهانی کار (دبلیو.سی.ال) از من خواستند که یک نقش واسطه را برای اتحاد سدیکا ها به عهده بگیرم. در حال حاضر که علل جدایی بین سدیکا ها - که پاره ای اوقات سابقه آن به گذشته بر می گردد - دیگر عملاً وجود ندارد، من متقاعد شدم که در برابر مبارزه طلبی ها و ستیزه جویی هایی که از سوی «جهانی شدن» نولیبرالی تحمیل شده است، باید همه جنبش های کارگری مجدداً به هم به پیوندند. این امر به این معنا است که از طریق اتحاد باید امکان اتخاذ یک استراتژی تهاجمی جنبش های سندیکایی جهانی را فراهم آورد. در عمل این کار (یعنی اتحاد) نه عبارت از یک جمع شدن ساده دو کنفدراسیون (آ.سی.اف. تی. یو.) و (دبلیو.سی.ال) است و نه بر اساس مقررات سازمان های مربوط به سندیکالیسم. این حرکت عبارتست از گردهم آمدن وسیع بر اساس ارزش های سندیکالیسم آزاد و دموکراتیک و نیز برای دگرگونی اجتماعی. ما به سازمان هایی که در حال حاضر در سازمان های جهانی عضویت ندارند و به دنبال راه حل های تازه ای که با مقتضیات کنونی بیشتر مطابقت داشته باشند، نیز مراجعه خواهیم کرد. در مورد فرانسه بدیهی است که ما به «ث. ژ. ت.» که عضو (ای. تی. یو. سی) (کنفدراسیون اروپایی سدیکاها) می باشد و در زمینه تعهدات بین المللی دارای تاریخی طولانی است، مراجعه کردیم. و در سطح جهانی نیز تماس های زیادی گرفته شد و مذاکرات منظمی صورت گرفت - همچنانکه در این دو روز «اجلاس اجتماعی جهانی» در پورتو الگره» انجام شد. جریان امور در حال پیشرفت است. «آ.سی.اف. تی. یو.» و «دبلیو.سی.ال» چراغ سبز نشان داده اند و نیز ۱۵ سازمان کارگری که در حال حاضر عضو نیستند، علاقمندی خود را ابراز داشتند. مجموعه این امور منجر شد به اندیشه تشکیل یک کنگره موسس، در آینده نزدیک. و این یک تحول تاریخی است زیرا جنبش سندیکایی هرگز متحد نبوده است.

اومانیته: به نظر شما در این مرحله جهانی شدن مبارزات، نهضت سندیکایی (سندیکالیسم) در جنبش «آلترناتیو جهانی شدن» و احیاناً در صحن «اجلاس اجتماعی جهانی» چه جایگاهی باید داشته باشد؟

امیلیو گابا گلیو: در خلال نخستین «اجلاس اجتماعی جهان» مرکز سندیکایی برزیل (سی. تی. یو.) که عضو «ای. تی. یو. سی» هست، سدیکا ها را به اجلاس دعوت کرد. اما من باید اعتراف کنم که حضور جنبش سندیکایی در مباحثات بسیار ناچیز بود. زیرا پاره ای از ابهامات وجود داشت. امروز پس از گذشت زمان هم یک جهش کمی - با حضور ده ها و ده ها هیئت نمایندگی کارگری از سراسر دنیا در اجلاس - و هم یک دگرگونی کیفی پدید آمده است. بدین ترتیب که جنبش سندیکایی بین المللی به همراه «سازمان های غیر دولتی» یک رشته فعالیت هایی را روی پی آمدهای اجتماعی «جهانی شدن» سازماندهی کرد. گفتگو ها نه تنها بین دو جریان بزرگ، دو گانه، کارگری بلکه در کلیه جریان های مترقی برقرار شده است. مطمئناً ما دارای تجربیات و توانایی عمل کردن به شیوه های متفاوت هستیم. و ما این عزم جزم را داریم که در جستجوی یک ظرفیت و توانایی عمل مشترک باشیم. اتحادی در شرف ساختن خویشتن است!



اجتماعی بی شک نقش موثری در زمینه سازمان دهی جنبش مستقل زنان میهن ما خواهد داشت و باید تلاش ها در این زمینه را دو چندان کرد. فعالیت های تحسین برانگیز زنان میهن ما شخصیت های برجسته اجتماعی بی را به میهن ما اهدا کرده است که مبارزه و

فعالیت های آنان برای تحقق حقوق بشر در ایران در حد اهدای جایزه صلح نوبل مورد تحسین جهانی قرار گرفته است.

امسال در حالی روز جهانی زن برگزار می شود که میهن ما بار دیگر در آستانه تحولات مهمی قرار گرفته است. ارتجاع حاکم خود را آماده مرحله نهایی تسویه حساب و «فیصله دادن به غائله اصلاحات» کرده و بحران شدیدی را بر جامعه ما حاکم کرده است. هشت سال پس از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ که زنان در آن نقش قاطع و تعیین کننده بی در پیروزی خاتمی و جبهه طرفداران او بر عهده داشتند، هیچ کدام از قول های داده شده در زمینه تحقق جامعه مدنی و احترام به حقوق انسانی و اجتماعی زنان تحقق نیافته است عملکرد منفی و در مجموع حمایت از دیدگاه های تاریک اندیشانه و زن ستیزانه رژیم ولایت فقیه زیر لوای دفاع از «ارزش های اسلامی» امروز دیگر جای خوشبینی را در زمینه تحقق حقوق زنان در چارچوب رژیم ولایت فقیه و نیروهای «معتقد به نظام» باقی نمی گذارد. جنبش مستقل زنان در همبستگی و هم پیوندی با دیگر نیروهای رزمنده اجتماعی همچون کارگران و زحمتکشان و دانشجویان و جوانان در کنار هم و در صورت سازمان یافتگی می توانند راه گشای تحولات به سمت تحقق آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی باشد. کمیته مرکزی حزب توده ایران بار دیگر ضمن تجدید عهد با آرمان های والای جنبش جهانی زنان برای رهایی از ستم طبقاتی و برای دستیابی به برابری حقوق، همه توده ای ها و دیگر نیروهای مترقی و آزادی خواه را فرا می خواند تا دست در دست هم در راه تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری، برای دستیابی به آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه تلاش های خود را تشدید کنند.

فرخنده باد روز هشتم مارس، روز همبستگی رزمجویانه با پیکار زنان سراسر جهان!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۲ اسفندماه ۱۳۸۳

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب ...

وجود همه دشواری ها و سیاست های سرکوبگرانه رژیم های ستم کار این جشن خجسته همواره در ابعاد گوناگون برگزار شده است.

امسال زنان میهن ما در شرایطی به استقبال روز جهانی زن می روند که سیاست های سرکوبگرانه رژیم قرون وسطایی بر ضد آنان هم چنان ادامه دارد. کمتر حکومتی را در جهان امروز می توان یافت که این چنین سیاست های زن ستیزانه بی را به جامعه تحمیل کرده باشد و این چنین افسار گسیخته و خشن خواست های میلیون ها زن را سرکوب و لگد مال کند. سرکوب خشن حقوق زنان در دو دهه گذشته همواره با مقاومت دلیرانه و قهرمانانه زنان میهن ما روبه رو بوده است. پیکار حماسی زندانیان سیاسی زن، در زندان های قرون وسطایی و در مقابله با شکنجه های ضد انسانی دژخیمان رژیم، از صفحات درخشان جنبش رهایی بخش مردم میهن ما در پیکار بر ضد استبداد حاکم است. زنان میهن ما نشان داده اند که می توانند با قاطعیت و جسارت نقش برجسته بی در تحولات اجتماعی و سیاسی کشور ایفا نمایند. نقش زنان به عنوان یک نیروی اجتماعی رزمنده در شکل دادن جنبش مردمی و روند اصلاحات در جامعه ما و شرکت فعال زنان در سنگر های گوناگون مبارزه، از جنبش صلح تا صندوق های انتخابات های گوناگون، و شرکت در صفوف مقدم اعتراض های توده ای، در کنار دانشجویان و کارگران و زحمتکشان، مویید این نظر است که بدون شرکت فعال و سازمان یافته زنان، یعنی بیش از نیمی از جمعیت فعال جامعه ما نمی توان به تحقق خواست های جنبش رهایی بخش خلق های میهن ما امیدوار بود.

امروز پس از گذشت بیش از بیست و شش سال از پیروزی انقلاب بهمن که زنان میهن ما نقش برجسته بی در آن داشتند، واقعیت تلخ و فاجعه بار جامعه ما این است که زنان از محروم ترین و زیر ستم ترین قشرهای جامعه ما هستند که در زیر فشارهای کمر شکن و ضد انسانی قوانین اجتماعی و اقتصادی رژیم زندگی می کنند. امروز در جامعه ما کم نیستند خانواده هایی که زنان نان آور اصلی آنند و ناچارند دست تنها و با وجود همه دشواری ها و تبعضات رایج زندگی خانواده خود را تأمین کنند. فقر و محرومیت و ناهنجاری های اجتماعی زاینده این شرایط فاجعه بار از جمله دست آوردهای رژیم ضد مردمی برای زنان میهن ماست.

جنبش مستقل زنان میهن ما در سال های اخیر دست آوردهای ارزنده بی به همراه داشته است. ایجاد شمار زیادی از گروه های صنفی و اجتماعی، تلاش تحسین برانگیز در زمینه بالا بردن آگاهی اجتماعی خصوصاً در میان زنان زحمتکش در کنار کار گسترده فرهنگی و

آیا سوریه هدف بعدی آمریکا است؟

قتل فجیع «حریری»، نخست وزیر سابق لبنان، و همراهانش در جریان یک بمب گذاری حساب شده در بیروت، حملات فزاینده ای را از سوی رسانه های گروهی و دولت های غربی متوجه سوریه کرده است. ایالات متحده عملاً سوریه را مسبب مرگ حریری و نابسامانی های لبنان اعلام کرده است و به شکل حساب شده پی فشار های سیاسی خود را به سوریه افزایش داده است. دولت آمریکا بلافاصله پس از حادثه بمب گذاری و قتل حریری به بهانه «مشاوره» سفیر خود از، بدون اینکه تاریخی برای بازگشت او اعلام شود، از سوریه فراخواند. این اقدام ها در شرایطی صورت گرفت که مقامات سوریه بلافاصله پس از قتل حریری، ترور او را محکوم و موافقت خود را با پیشنهاد سازمان ملل برای تحقیق در این مورد اعلام کردند. کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه آمریکا، که در برابر یکی از کمیسیون های سنای این کشور در باره فراخواندن سفیر ایالات متحده از دمشق، توضیح می داد، هدف از این اقدام را «ارسال پیام صریحی» از ناخرسندی دولت خود درباره سیاست های دولت سوریه عنوان کرد (بی بی سی ۱۷ فوریه ۲۰۰۵). خانم رایس یک روز پیش از آن نیز اعلام کرده بود که «دولت سوریه در حال حاضر در مسیری قرار دارد که روابط آن کشور با ما رو به بهبودی نیست بلکه رو به وخامت گذاشته است». او اضافه کرد که «ما امیدواریم دولت سوریه از این فرصت استفاده کند و به بازنگری روابط خود با ایالات متحده بپردازد و بکوشد روابط ما را در مسیر بهتری قرار دهد». وزیر خارجه آمریکا همچنین اضافه کرد که در مورد واکنش مناسب نسبت به ترور حریری، از جمله تحریم سیاسی سوریه در حال مشورت با سازمان ملل متحد است. (همانجا)

حریری، به رغم تبلیغات فراوان کنونی رسانه های گروهی، مخالفت و دشمنی جدی با سوریه نداشت. بیش از ۱۰ سال از ۱۲ سال دوران نخست وزیری او در همکاری با سوریه بود. چند روز پیش از ترورش نیز، ملاقاتی با وزیر امور خارجه سوریه داشت و تدارک ملاقات جدیدی در دمشق نیز داده شده بود. حریری هیچ گاه به طور رسمی با نیروهای اپوزیسیون همراه نبود و در بیشتر موارد به نظر می رسید که نقش میانجی را بین سوریه و نیروهای اپوزیسیون بازی می کند. متهم شدن سوریه به دست داشتن در ترور حریری از طرف آمریکا و اسرائیل لطمه ای است جدی به کوشش های سال های اخیر دولت سوریه برای عادی کردن روابط خود با ایالات متحده و اتحادیه اروپا. ترور حریری به هر بهانه و به دست هر کس که صورت گرفته است، در شرایط حساس بین المللی کنونی تنها منجر به وخیم تر شدن شرایط منطقه و دادن بهانه ای جدی به دشمنان سوریه برای «تغییر رژیم» در این کشور منجر می شود. بر این اساس دست داشتن سوریه در ترور حریری بسیار بعید به نظر می رسد. قتل حریری به ویژه در شرایط کنونی، می تواند زمینه ساز اجرای سناریو های دیگری باشد. در عین حال روشن است که اسرائیل سال های فراوانی است که قصد تضعیف سوریه را داشته است تا بتواند از نفوذ این کشور در منطقه، به ویژه در لبنان و فلسطین، بکاهد. آمریکا و اسرائیل تلاش کرده اند تا کارزاری بین المللی را علیه سوریه تدارک ببینند. اسرائیل حضور نیروهای سوریه در لبنان را، که به عنوان نیروهای حافظ صلح وارد این کشور شده اند، را عاملی برای عدم ثبات و صلح در منطقه می داند. سوریه نیز پیش شرط خروج خود از خاک لبنان را، خروج نیروهای اسرائیلی از «بلندی های جولان»، که توسط اسرائیل اشغال شده است، می داند. سوریه اعلام کرده است که خروج نیروهای این کشور از لبنان، علاوه بر متزلزل کردن ثبات سیاسی این کشور و نیاز به حضور نیروهای حافظ صلح برای جلوگیری از شعله جنگ داخلی جدید، توازن سیاسی در منطقه را به سود اسرائیل تغییر خواهد داد. ایالات متحده علاوه بر ناخشنودی از مواضع سیاسی سوریه در رابطه با لبنان و مساله فلسطین همچنین سوریه را متهم کرده است که به نیروهای مخالف دولت انتقالی عراق اجازه می دهد از خاک این کشور برای سازمان دهی عملیات خود در مناطق «آشوب زده» عراق استفاده کنند. به رغم تبلیغات وسیعی که در حول و حوش قتل حریری صورت گرفته است، به باور شماری از تحلیل گران منطقه ترور حریری قبل از هر چیزی تأمین کننده ی شرایطی است که در قبال آن آمریکا و اسرائیل بتوانند با افزایش فشار به سوریه سعی به تحمیل شرایط خود به این کشور و در مرحله بعد به لبنان کنند.

ادامه کودتای نپال ...

ماه مه ۲۰۰۲ نخست وزیر «شهر باهادور دوبا» را از کار برکنار، پارلمان را منحل و عملاً یک دیکتاتوری سلطنتی برقرار کرد. در نتیجه جنبش اعتراضی مردم با دولت پادشاهی در ماه ژوئن ۲۰۰۴، دولت را مجبور به عقب نشینی کرد و نخست وزیر «دوبا» دوباره تا زمان دستگیریش توسط ارتش در کودتای اول فوریه بر سر کار آورده شد. رهبران همه ی احزاب سیاسی عمده از جمله رهبران حزب کمونیست نپال (مارکسیست لنینیست واحد) یا در زندان بسر می برند یا در خانه ی خود تحت نظر هستند. این بحران به روشنی وضعیت دشواری را که نیروهای چپ با آن روبرو هستند نشان می دهد. به نظر می رسد که کمونیست های نپالی با وجود مبارزه دایم و شجاعانه خود برای ایجاد ساختارهای دموکراتیک، به یک بن بست کشانده شده اند. شرکت حزب در آخرین دولت قانونی نخست وزیر «داوبا» بر این اندیشه استوار بود که یک جبهه وسیع دموکراتیک بر علیه توطئه های دربار بوجود آورد. اما نیروهای غیر کمونیست که در دولت «داوبا» تسلط داشتند اعتقادی به دگرگونی عمیق اجتماعی مورد نیاز جامعه، که خود به تنهایی می تواند سرنوشت کشور را رقم زند، نداشتند. بر اساس گفته یکی از سخنگویان حزب، حزب کمونیست نپال (مارکسیست لنینیست واحد) حتی قادر به اجرای یکی از مواد برنامه حداقل ۴۳ ماده ای تصویب شده توسط شرکت کنندگان در ائتلاف نشد. و مهمتر این که با وجود قتل جمعی از فعالان حزب توسط نیروهای مائوئیستی، حزب کماکان با پافشاری سیاست مذاکره با آنها را ادامه می داد. حزب تأکید می کرد که باید دلیل های عمده فقر و خفقان مورد بررسی قرار گیرند. از طرفی دیگر، دربار و فرمانده ارتش سلطنتی نپال با اعمال سیاست مطلقاً سرکوبگرانه و ایجاد جو ترور در مناطق روستایی، صدها تن مردم بیگناه را به کشتن داده است. حزب کمونیست نپال (مارکسیست لنینیست واحد) نخست وزیر «داوبا» را در رابطه با شکست در مذاکره جدی با مائوئیست ها که منجر به بهره برداری دربار سلطنتی از نابسامانی وضعیت شد به شدت مورد انتقاد قرار داد. کمونیست های نپال در حالی که به درستی در مبارزه شان برای تشکیل دموکراسی چند حزبی به خود می بالند هنوز نتوانسته اند یک اکثریت سیاسی پایدار که بتواند برنامه مرفقی اجتماعی خود را به پیش ببرد، به وجود آورند. در عوض حزب از موضع دفاعی و با هدف دفاع از آزادی های دموکراتیک وارد دولت های ائتلافی شده است و در این دولت ها فاقد اکثریتی بوده که بتواند برنامه رادیکال اجتماعی خود را دنبال و پیاده کند. بن بست های سیاسی در سال های اخیر که باعث تشکیل دولت های گوناگونی شده است، بدبینی عمومی را نسبت به روند های سیاسی تشدید کرده است. روشن نیست که تا چه زمانی «جیانندرا» بتواند سیاست سرکوب خود را ادامه دهد. این بازی خطرناک می تواند آینده این کشور پادشاهی هیمالیایی را به مخاطره اندازد. گذشته نشان داده است که با وجود ناکامی ها، مردم نپال آزادی های خود را به آسانی از دست نمی دهند. شانکار پوخارل، یکی از رهبران حزب کمونیست نپال (مارکسیست لنینیست واحد) که در مخفیگاهی در پایتخت بسر می برد، چند روز پیش در گفتگو با خبرنگاران گفت: «ما در حال شروع یک جنبش مردمی صلح آمیز برای خاتمه حکومت استبدادی پادشاه هستیم. اکنون ارتش سالاری استقرار یافته و همه ی حقوق مردم پایمال شده است.» بر اساس گفته ی او ۳۰۰ نفر از اعضای حزب، شامل رهبران اصلی یا زندانی اند یا در خانه های خود در بازداشت بسر می برند. جنبش کارگری و چپ در جهان باید سریعاً پشتیبانی خود را از مبارزه برضد دولت کودتاچی در نپال نشان داده و خواستار احیای دموکراسی و آزادی زندانیان سیاسی گردند.

کودتای نپال

تلاش باطل دربار برای عقیم کردن جنبش دموکراتیک!

کودتای ۱۳ بهمن ماه پادشاه نپال در رسانه های سراسری بازتاب چندانی نیافت. حقیقت اینست که در پس ظاهر "مبارزه" دربار با "مائوئیست ها" آینده تحولات دموکراتیک در این کشور که حزب کمونیست نقش عمده ای در آن بازی می کند، زیر علامت سوال رفته است. در مقاله زیر که با استفاده از گزارش های خبرنگار ویژه نشریه مترقی و چپ "مورنینگ استار" تهیه شده است، نقش پراهمیت کمونیست های نپال در تحولات بغرنج تاریخ معاصر کشور مورد بررسی قرار گرفته است.

زمانی که پادشاه جیانندرا برای سرکوب دموکراسی پارلمانی، نیروهای نظامی اش را به خیابانهای نپال فرستاد چنین به نظر رسید که او از این دکترین مائو تسه تونگ که قدرت سیاسی از لوله تفنگ پدید می آید پیروی می کند.

دلیل ظاهری برای برقراری حکومت نظامی از سوی او این بود که احزاب عمده پارلمان توانایی مقابله با رشد شورشیان مائوئیستی را ندارند. البته چنین برخوردی دلیل های اصلی این شورش مائوئیستی در کشور را که همان فقر گسترده، بیسوادی، بیکاری، سوء تغذیه و عقب ماندگی اقتصادی در جامعه ای که در اثر اختلاف های نژادی و طبقاتی در حال گسستگی است نادیده می گیرد. بر اساس یکی از آمارهای اخیر، ۷۱٪ از سرمایه کانتانندو (پایتخت نپال) در اختیار ۱۲٪ از ساکنان این شهر قرار دارد و تنها ۳۷٪ از درآمد ملی صرف نیازهای ۲۰٪ از فقیرترین خانواده های کشور می شود. در حدود ۸۰ درصد جمعیت کشور با حقوقی معادل یک لیره استرلینگ در روز زندگی می کنند. به این اختلاف فاحش طبقاتی باید عدم تمایل طبقه ممتاز را که با لجاجت و خودخواهی مخالف هرگونه ساختار دموکراتیک که می تواند تغییرات اجتماعی را به شکل صلح آمیز ممکن سازد، افزود. مخالفت خانواده سلطنتی و رقیبان اشرافی آن با دموکراسی بغیر از ۱۴ سال اخیر و بطور متناوب، گره اصلی سیاسی در این کشور هیمالیایی در سده گذشته بوده است. در ابتدای سده بیستم، پادشاه نپال قدرت بسیار محدودی داشت. به جایش، قومی بنام راناس که دولت را به انحصار خود در آورده بود کشور را اداره می کرد. در اوایل سال ۱۹۵۱، پس از آن که حکومت راناس توسط تظاهرات مردمی سرنگون شد یک حکومت سلطنتی مشروطه با پادشاهی "تریپوهوان بیر بیکرام" تأسیس شد. اما او بزودی قدرت بیشتری را برای خود اختصاص داد. پسر و جانشین او، شاه "ماهندرا"، در سال ۱۹۶۰ با انحلال پارلمان و منع فعالیت احزاب سیاسی قدرت بیشتری را برای خود فراهم کرد. در سال ۱۹۶۲ قانون اساسی جدیدی تدوین شد و بر اساس آن یک نظام شورایی غیرحزبی بنام "پانچایات" به وجود آمد که پادشاه تنها قدرت حاکم بود.

در سال ۱۹۹۰، حکومت سلطنتی تحت رهبری پادشاه "بیرندرا" دوباره به دلیل روبرو شدن با یک جنبش وسیع طرفدار دموکراسی به انجام اصلاحات سیاسی تن درداد. اکثر مفسران غربی، پیدایش این جنبش مائوئیستی بیگانه آشوبگرا را بازگشتی به گذشته تفسیر می کنند و نه ظهور دوباره استبداد قرون وسطایی و استعمار صد ساله را. اما تاریخ جنبش کمونیستی کشور با مبارزه علیه استبداد سلطنتی و اشرافیت فئودالی گره خورده است.

حزب کمونیست نپال در آوریل سال ۱۹۴۹ در اوج خیزش توده ای که در فوریه سال ۱۹۵۱ به پیروزی محدودی انجامید، تأسیس گردید. کمونیستهای نپال پس از کودتای "ماهندرا" در سال ۶۲-۱۹۶۰ به فعالیت زیرزمینی رانده شدند و با بروز اختلاف های چین و شوروی، در سراسر دهه ی ۱۹۶۰ به چندین انشعاب دست زدند. بخش عمده ای از آنها تحت تأثیر انقلاب فرهنگی چین و جنبش به اصطلاح ناکسالایت در هند قرار گرفتند. در

سال های دهه ۱۹۷۰ این دو جنبش ماورای چپ بر تعدادی از گروه های جدا شده از کمونیست های نپال تأثیر فراوانی داشتند. در اواخر سال های ۱۹۷۰ روند وحدت دوباره ی کمونیست ها با پیوستن چند گروه از هواداران چین به حزب کمونیست نپال (مارکسیست-لنینیست) در سال ۱۹۷۸ شروع شد. در سراسر دهه ی بعدی کمونیست ها نقش به مراتب مهمتری را در جنبش ملی برای احیای دموکراسی و بر ضد نظام "پانچیات" به رهبری شاه "بیرندرا" جانشین "ماهندرا" ایفا کردند.

در دوره منتهی به سال ۱۹۹۰ یک جبهه ی متحد چپ شامل هفت حزب تشکیل گردید که محور آن حزب کمونیست نپال (مارکسیست - لنینیست) (CPN (ML-)) بود. پنج حزب دیگر این جبهه از عنوان حزب کمونیست نپال در اسامی خود استفاده می کردند. یکی از احزاب بزرگتر از گروه مزبور بنام حزب کمونیست نپال (مارکسیست)، (CPN (Marxist)) با پیوستن به حزب کمونیست نپال (مارکسیست - لنینیست)، حزب کمونیست نپال (مارکسیست-لنینیست واحد) را تشکیل دادند.

با گشایش فضای سیاسی نوین در کشور، گزینه چپ در حالی که به یکی از نیروهای تعیین کننده تبدیل می شد با مخالفت شدید سلطنت طلبان، نظامیان پشتیبان آنها و نیروی سیاسی مسلط یعنی حزب کنگره نپال (NCP) روبرو گردید. حزب کنگره نپال در این برهه به مدت ۱۴ سال اکثر دولت ها را در اختیار گرفت. پس از اعلام دموکراسی پارلمانی حزب کمونیست نپال (مارکسیست لنینیست واحد) دومین حزب برنده برای تصاحب کرسی های هر دو مجلس در انتخابات ژانویه ۱۹۹۱ شد. این حزب پس از پیروزی در انتخابات میان دوره ای و کسب بیشترین کرسی های مجلس در اواخر سال ۱۹۹۴، با حزب «راستریا پرایانترا» (RPP) یک دولت اقلیت تشکیل داد. اما پس از چند ماه سلطنت طلبان با کمک حزب کنگره نپال این دولت را ساقط کردند. پادشاه «جیانندرا» یک دولت ائتلافی به رهبری حزب کنگره نپال بر سر کار نهاد.

زمانی که این دولت ائتلافی در سال ۱۹۹۷ سرنگون شد و پادشاه از برگزاری انتخابات جلوگیری کرد حزب کمونیست نپال (مارکسیست لنینیست واحد) دوباره همراه با حزب RPP یک دولت ائتلافی تشکیل داد. تحت فشار حزب کمونیست نپال (مارکسیست لنینیست واحد) انتخابات عقب افتاده برگزار گردید. این انتخابات نمایانگر پشتیبانی وسیع مردم برای حزب شد. این حزب ۵۱/۲٪ کرسی ها را در شوراهای روستا، شهر و ناحیه در مقایسه با ۲۶/۲۸٪ در سال ۱۹۹۲ بدست آورد. در انتخابات سراسری سال ۱۹۹۹، این حزب ۳۱٪ آرا را به خود تخصیص داد. ولی توسط یک اتحاد احزاب دست راستی به رهبری حزب کنگره نپال به دولت راه نیافت. باز هم ائتلاف جدید متزلزل از آب درآمد. پس از قتل پادشاه بیرندرا و دیگر اعضای خانواده ی سلطنتی توسط شاهزاده ای پریشانحال بنام «دپندرا»، «جیانندرا» به پادشاهی نشانده شد. او در مخالفت با دموکراسی معروف بود. در

ادامه در صفحه ۷

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 707
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

1 March 2005

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک